

مدل حکمرانی در قرآن کریم؛ براساس کلیدواژه تبعیت

حمید ایزدبخش

پژوهشگر هسته سلامت مرکز رشد و دانشجوی دکتری رشتۀ تصمیم‌گیری و خط‌مشی گذاری عمومی،
دانشکده معارف اسلامی و مدیریت، دانشگاه امام صادق (علیه السلام). تهران. ایران.

h.eizadbakhsh@isu.ac.ir

مجتبی جوادی

دانشجوی دکتری مدیریت دولتی، دانشکده معارف اسلامی و مدیریت، دانشگاه امام صادق (علیه السلام). تهران. ایران.
mo.javadi@isu.ac.ir

چکیده

در رابطه با حکومت از منظر قرآن مطالعات زیادی انجام شده است. اما در مورد مفهوم نوظهور حکمرانی، مدل آن و مولفه‌های اصلی آن کمتر پژوهشی در این زمینه به چشم می‌آید. از این‌رو هدف اصلی این مطالعه شناخت مدل کلی حکمرانی از منظر قرآن کریم قرار گرفت. روش مورد استفاده در این گزارش روش «تحقیق موضوعی در قرآن کریم با رویکرد تفسیر قرآن به قرآن» می‌باشد که براساس آن پس از دقیق کردن موضوع و یافتن کلیدواژه مناسب، به بررسی آیات مرتبط براساس روش تحقیق موضوعی قرآن کریم پرداخته شد. پس از بررسی‌های صورت‌گرفته واژه «تبعیت» برگزیده شد که در اصل معنا به «دبال رفتن» و «دبال بودن» اشاره دارد و این معنا قرابت زیادی با مفهوم محوری حکمرانی داشت. از این‌رو تبعیت کلیدواژه اصلی مطالعه قرآن قرار گرفت. در بررسی آیات از رویکری هنجاری پرهیز شد تا توجه به پیش‌فرضها و توصیف‌های قرآنی، دلالت‌های روش‌شن تری در مورد حکمرانی برداشت کنیم. در نهایت نتایج پژوهش به صورت مدل حکمرانی در قرآن کریم در سه محور تابع، متبوع و تبعیت که ارکان «تبعیت کردن» هستند، ارائه گشت. کلیدواژه‌ها: پیروی، حکمرانی، حکمرانی اسلامی، تبعیت.

مقدمه و بیانیه مسئله

در هر قلمرو جغرافیایی، شیوه حکمرانی و در معنایی عامتر، اداره حکومت از مهم‌ترین موضوع‌هایی است که اندیشمندان و نخبگان جامعه به آن می‌اندیشنند. باوجود این وصف، مسئله حکمرانی در ایران از حیث نظری و عملی با مشکلاتی عجین است که ضرورت توجه به آن را دوچندان می‌کند. امروزه واژه حکمرانی توسط برخی اندیشمندان و کارگزاران ایرانی به کارگرفته می‌شود. به کارگیری واژگان وارداتی نیازمند تأمل و بررسی‌های عمیق و دقیق فرهنگی است. آنچه در اغلب مقالات و محافل کارگزاران داخلی مطرح است، صرفاً حکمرانی را به نظریه بانک جهانی در باب «حکمرانی خوب» تقلیل داده است (سلیمی و مکنون، ۱۳۹۷). «حکمرانی خوب» به دنبال تحقق هنجارهای دهکده جهانی است و با هدف خاصی در کشورهای مختلف پیگیری می‌شود، ولی آیا نظریه‌های حکمرانی رایج صرفاً منحصر در حکمرانی خوب است؟ قطعاً این‌گونه نیست، ولی ادبیات ترجمه‌ای و وارداتی، عامدانه یا غیرعامدانه، بسیار اندک به سایر نظریه‌های حکمرانی پرداخته است (برای نمونه بنگرید: حسینی تاش و واثق، ۱۳۹۳؛ حیدری، ۱۳۹۵؛ سالارزه‌ی و ابراهیم‌پور، ۱۳۹۱؛ شاه‌آبادی و جامه‌بزرگی، ۱۳۹۲؛ محمدعلیپور و رحیمی عmad، ۱۳۹۲؛ ناظمی اردکانی، ۱۳۹۱؛ یوسفی شیخ رباط و بابایی، ۱۳۹۴)؛ ازطرف دیگر، امروزه گریزی از مفاهیم حکمرانی نداریم. با توجه به ظهور رقیب‌ها و بازیگران متعدد در عرض دولت، حکومت نیازمند به کارگیری شیوه‌های جدیدی در چینش این بازیگران است و باید نظریه مختص به خودش را در حکمرانی ایجاد کند. درواقع حکمرانی به دنبال بازسازی یکی از مهم‌ترین روابط موجود در هر جامعه، یعنی «رابطه پیروی» است. به همین دلیل، اینکه چه کسی از چه کسی پیروی کند و ساختار این پیروی چگونه باشد، یا چرا بی‌پیروی از افراد خاص اهمیت وافری می‌یابد. هر حکومت و جامعه‌ای که به دنبال ساخت تمدن پایدار و ایجاد نظم خاص مبتنی بر ارزش‌های خویش است، ناگزیر از ساخت و اعمال اقتدار روی تعدادی از بازیگران نامتجانس اجتماعی است. چینش بازیگران و تعیین نسبت و روابط آن‌ها برای اعمال اقتدار در ادبیات دنیای غرب با مفهوم «حکمرانی» شناخته می‌شود (گلیزر جوکن،^۱ ۲۰۱۲: ص ۱).

یکی از خلاصه‌ای جدی برای تحقق کامل انقلاب اسلامی عدم تسری نظام ولایت فقیه در عرصه‌های مختلف اجتماعی، اقتصادی، سیاسی، فرهنگی وغیره است؛ به عبارت دیگر، با تحقق انقلاب در ۱۳۵۷، نظام اسلامی تحقق یافته است، اما هنوز دولت اسلامی ظهور نکرده است

(خامنه‌ای، ۱۳۸۰: بیانات در دیدار با کارگزاران نظام). برای تحقق دولت اسلامی نیازمند تبیین دقیق الگوی پیروی اسلامی و نحوه چینش بازیگران در جمهوری اسلامی هستیم. اگرچه پژوهش‌هایی در باب حکمرانی اسلامی شکل گرفته است، غالباً به ویژگی‌های شخصی حکمران پرداخته‌اند و صرفاً مقدار اندکی به چگونگی سازوکارهای حکمرانی توجه کرده‌اند. حکمرانی صرفاً برخورد بالا به پایین و سلسله‌مراتبی با انسان‌ها نیست، بلکه گونه‌های مختلف دیگری اعم از بازاری و شبکه‌ای نیز دارد. آنچه در ادبیات اسلامی و بهویژه قرآن آمده است، حاکی از یک نظام انسانی پیروی در جامعه است. این نظام پیروی را می‌توان در پرتو مفاهیمی همچون اطاعت، تبعیت و ولایت در قرآن کریم پیگیری کرد.

در پژوهش حاضر سعی شده است جلوه‌هایی از مفهوم حکمرانی اسلامی در پرتو واژه «تبعیت» در قرآن کریم ارائه شود. برای ورود دقیق‌تر به معارف قرآن کریم، لازم بود مفهوم رایج حکمرانی بررسی شود؛ بنابراین، در ادامه به مفهوم حکمرانی پرداخته می‌شود. در این بررسی روشن می‌شود مفاهیم کلیدی حکمرانی و جوهره آن چیست. این مفاهیم کلیدی به ماقابلیتی خواهد داد که پژوهش قرآنی مناسب‌تری را رقم بزنیم. همچنین، محورها و سؤال اصلی حکمرانی را نیز در این بخش خواهیم یافت. با بررسی حکمرانی مشخص می‌شود سه محور اصلی تابع، متبع و تبعیت از اهمیت زیادی در تبیین مدل حکمرانی برخوردار است. سپس با تبیین روش مختار این مطالعه و ارائه گام‌های طی شده، به ارائه مدل حکمرانی قرآنی می‌پردازیم که در این مطالعه به آن دست یافته‌ایم. همچنین، در بخش جمع‌بندی، برخی از مهم‌ترین نکات و مسیرهای پیشنهادی برای مطالعات آتی ترسیم شده است.

حکمرانی: ماهیت و ریشه‌ها

امروزه لفظ حکمرانی نُقلِ محافل علمی و اجرایی کشور شده است. هر کس با هر سلیقه‌ای تمایل دارد از این لفظ استفاده کند تا مراد خودش را برساند. گاهی مراد از آن «حکمرانی خوب» و گاهی مدیریت و گاهی هم حکومت است. البته این مشکل فقط در داخل ایران مطرح نیست، بلکه در خارج از کشور نیز این لفظ به یک کلمه روزمره^۱ تبدیل شده است (مولمان، ۲۰۰۸: ص ۹). دانشجویان مدیریت دولتی با تنوعی در حال گسترش و اغلب گیج‌کننده از معانی و کاربردهای عبارت حکمرانی مواجه شده‌اند که همچنان به‌طور عمومی توسط روزنامه‌نگاران، سیاست‌گذاران

و دانشمندان استفاده می‌شود (لین،^۱ ۲۰۱۰: ص ۲). این امر باعث شده است که لفظ حکمرانی تا مرز بی‌معنایی نیز کشیده شود تا اینکه به قول پیترز تعریف‌های «این‌همانی»^۲ از حکمرانی (برخی از کارهایی که در بیرون اتفاق می‌افتد به معنای حکمرانی است) رواج یابد (پیترز،^۳ ۲۰۰۰: ص ۳۵). به عقیده جسوب، حکمرانی یک واژه فازی است که می‌تواند تقریباً برای هرچیزی به کار برود ولی هیچ چیزی را تبیین و توصیف نکند (جسوب،^۴ ۲۰۰۲: ص ۴). اما واقعاً حکمرانی به چه معناست؟

کتل حکومت را به عنوان تشکیلات و تابع نهادهای عمومی تعریف کرده و به عقیده او حکمرانی عبارت است از راهی که حکومت از آن طریق وظایفش را اعمال می‌کند؛ به عبارت ساده‌تر، کاری که حکومت می‌کند همان حکمرانی است (کتل،^۵ ۲۰۰۲: xi). رودز^۶ در فصل سوم کتاب فهم حکمرانی^۷ که برگرفته از یک سخنرانی او در ۱۹۹۵ است، به شش استفاده رایج از واژه حکمرانی اشاره می‌کند (رودز، ۱۹۹۵: ص ۶۵۳؛ همو، ۱۹۹۷: ص ۴۷).

استوکر^۸ نیز در مقاله‌ای به همین مفاهیم اشاره و پنج معنی مربوط به حکمرانی را بررسی کرده است. این مقاله در برده‌های مختلف زمانی به چاپ رسیده است (استوکر، ۱۹۹۸، ۲۰۱۸). علی فرازمند از نظرگاه بین‌المللی به پدیده حکمرانی پرداخته و در کتابی با عنوان حکمرانی مطلوب^۹ این نگاه را تبیین کرده است که به نوعی در مقابل نظریه حکمرانی خوب که بسیار ارزش محور^{۱۰} و هنجارمدار است، مطرح شده است (فرازمند، ۲۰۰۵). کویمان^{۱۱} از منظر سایبریتیک اجتماعی، حکمرانی را «الگوی درحال ظهور برآمده از حکومت کردن»^{۱۲} می‌داند؛ به عبارتی دیگر، حکمرانی همان الگوی اساختاری است که در یک نظام اجتماعی‌سیاسی به عنوان یک نتیجه یا پیامد معمولی

1. Lynn
2. tautology
3. peters
4. Jessop
5. Kettl
6. Rhodes
7. Understanding governance
8. Stoker
9. Sounds governance
10. value-laden
11. Kooiman
12. governing

تعامل بین کنشگران حاضر در آن نظام ایجاد می‌شود (کویمان، ۱۹۹۳: ص ۲۵۸؛ همو، ۲۰۱۳: ۲۰۱۳). فدریکسون^۱ و همکارانش نیز حکمرانی را «کوششی برای فهم روابط افقی و نهادی^۲ اداره در بستر دولت منفصل از همیگر» قلمداد کرده‌اند (فدریکسون و همکاران، ۲۰۱۲: ص ۲۴۴). مولمان (۲۰۰۸: ص ۱۱) نیز در یک تعریف وسیع‌تر می‌گوید: «حکمرانی کلیت تعاملات^۳ است که حکومت، دیگر تشکیلات عمومی، بخش خصوصی و جامعهٔ مدنی در طی این تعاملات با یکدیگر مشارکت می‌کنند و برای حل مسائل اجتماعی یا خلق فرصت‌های اجتماعی هدف‌گذاری می‌کنند».

وقتی جنبهٔ رابطه‌ای در مفهوم وسیع حکمرانی مورد توجه قرار گرفته است، برخی دانشمندان ترجیح داده‌اند آن را مترادف با حکمرانی شبکه‌ای استفاده کنند (برای مثال بنگرید: لی، ۲۰۰۳: ص ۲؛ ووس، ۲۰۰۷^۴: ص ۲۴) ولی به صورت کلی سبک و سیاق رابطهٔ تبعیت می‌تواند به سه شکل سلسله‌مراتبی، بازاری و شبکه‌ای وجود داشته باشد (رووز، ۱۹۹۷: ص ۴۹؛ بنابراین، اگرچه بسیاری از صاحب‌نظران حکمرانی را در معنای ضيق آن یعنی حکمرانی شبکه‌ای به کار برده‌اند، حکمرانی در معنای وسیع‌تر آن شامل همهٔ روابط می‌شود که سه گونهٔ ایدهٔ آن سلسله‌مراتبی، بازاری و شبکه‌ای هستند.

بررسی مطالعات مربوط به حکمرانی بیانگر آن است که شکل عام و کلاسیک حکمرانی شامل سه گونهٔ سلسله‌مراتبی، بازاری و شبکه‌ای است. البته برخی نویسنده‌گان گونهٔ چهارمی را با عنوانین مختلف همانند اجتماعات^۵ و همبستگی^۶ به آن اضافه می‌کنند (کاپانو^۷ و همکارن، ۲۰۱۵: ص ۲۳۹).

برای بیان ریشهٔ و خردماهیهٔ مفهوم حکمرانی لازم است به کارهای ماکس ویر^۸ در زمینهٔ پایداری حکومت‌ها و بروز نظریهٔ بوروکراسی وی اشاره شود. نظریهٔ ویر براساس یک نگاه توصیفی-تاریخی، یکی از مهم‌ترین ریشه‌های نظری حکمرانی و نظام روابط پیروی در جامعه است و با فهم آن

1. Frederickson
2. lateral and institutional relations
3. interactions
4. Voss
5. Communities
6. olidarity
7. Capano
8. Max Weber

می‌توان بسیاری از آیشخورهای نظریه‌های حکمرانی در غرب را پیگیری کرد و عمق آن مفهوم را به درستی شناخت.

و بر نظریه‌پرداز بوروکراسی است، ولی دغدغه اصلی وی چه بود که به این نظریه رسید؟ او مسئله اصلی خودش را پایداری حکومت‌ها می‌داند و برای تشریح این مسئله، بررسی‌های خودش را در مفهوم سلطه یا اقتدار مرکز می‌کند. از نظر او هیچ جامعه و تمدنی بدون وجود روابط اقتدار یا سلطه امکان تداوم ندارد. و بر براساس مطالعات تاریخی و میدانی خود، سه نوع اقتدار را کشف کرد: اقتدار سنتی، اقتدار کاریزماتیک و اقتدار عقلایی-قانونی که به دستگاه اداری بوروکراسی منجر می‌شود. در هر یک از گونه‌های اقتدار، نوع خاصی از روابط حاکم و محکوم برقرار بوده است، ولی در همه آن‌ها یک امر مشترک است و آن عبارت است از اینکه حاکم حق خودش می‌داند که پیروی شود و محکوم وظیفه خودش می‌داند که پیروی کند. و بر برداشتن اقتدار سنتی و کاریزماتیک، برای پایداری حکومت‌ها اقتدار عقلایی-قانونی و دستگاه اداری بوروکراتیک را تجویز می‌کند که بعدها به عنوان گونه حکمرانی سلسله‌مراتبی شناخته می‌شود؛ بنابراین، مسئله اصلی و بر که سرمنشأ پیدایش نظریه‌های حکمرانی شده است، پایداری روابط اقتدار در جامعه بوده است (واترز واترز،^۱ ۲۰۱۵؛ موزلیس،^۲ ۲۰۰۸).

بنابراین، از مجموع مباحث ارائه شده در حکمرانی می‌توان نتیجه گرفت جوهر حکمرانی رابطه تبعیت و جریان پیروی است. همچنین، در موضوع تبعیت سه محور اساسی وجود دارد که بسیاری از اندیشمندان به پیروی از و بر آن اساس نظریات خود را تنظیم کرده‌اند: حاکم، محکوم و رابطه تبعیت که در این مقاله آن را تابع، متبع و تبعیت نامیده‌ایم.

روش‌شناسی مطالعه قرآنی

شیوه و منطق حاکم بر مطالعه، روش تحقیق موضوعی در قرآن کریم با رویکرد تفسیر قرآن به قرآن بوده است. در این روش هشت گام اساسی طی می‌شود: ۱. تحدید و مشخص کردن موضوع تحقیق، ۲. مشخص کردن کلیدواژه‌های مناسب، ۳. احصای آیات از ریشه مدنظر و سیاق آن‌ها، ۴. قرائت مکرر آیات احصاشده، ۵. مطالعه آیات در رکوعات، ۶. شکل‌گیری مدل اولیه، ۷. مراجعة به تفاسیر معتبر و ۸. طراحی مدل نهایی از منظر قرآن کریم (مسعودی پور و سپهری، ۱۳۹۴: ص ۹۰-۹۴). مراحل طی شده در این پژوهش به صورت زیر است:

۱. تحدید و مشخص کردن موضوع تحقیق: در این مرحله به بررسی ادبیات حکمرانی پرداخته شد و تلاش شد عناصر محتوایی اصلی آن استخراج شود. همان‌طور که در بخش مقدمه و بیانیه مسئله آمده است، کلیدی‌ترین مفهوم در ادبیات حکمرانی، پیروی و تبعیت بود.

۲. مشخص کردن کلیدوازه‌های مناسب: با راهنمایی و مشورت دو خبره مطالعات قرآنی و عرضه مباحث حکمرانی به آن‌ها، به بررسی مفاهیم اصلی مرتبط در قرآن پرداخته شد. پس از بررسی‌های صورت‌گرفته، چند واژه اصلی در میان واژگان قرآنی به بحث‌های مرتبط با حکمرانی نزدیک‌تر رسید: تبعیت، اطاعت و ولایت. به‌نظر می‌رسد از میان این واژگان واژه تبعیت قربت مفهومی بیشتری دارد.

مرحوم مصطفوی در التحقیق معنای اصلی تبع را به دنبال چیزی بودن و حرکت پشت آن می‌دانست، چه حرکت مادی و چه معنوی و چه اینکه تبعیت عملی باشد و یا اینکه تبعیت فکری در آن باشد (مصطفوی، ۱۳۸۵، ج: ۱، ص: ۳۷۷) و استعمالات قرآنی متعددی نیز این معنا را تأیید می‌کند؛ به‌طور خاص استعمالات که در معنایی غیر از معنای خاص آن، یعنی پیروی کردن، در قرآن به کار رفته است مثل «فَمَنْ لَمْ يَجِدْ فَصِيَامُ شَهْرِنَ مُتَّبَاعِينَ» (نساء: ۹۲) و یا «إِلَّا مَنِ اسْتَرَقَ السَّمْعَ فَأَتَبَعَهُ شَهَابٌ مُّبِينٌ» (حجر: ۱۸) و دیگر موارد به ریشه معنایی آن اشاره دارد و نشان می‌دهد اصل معنایی به دنبال بودن و حرکت کردن پشت چیزی است که در معنای خاص پیروی کردن به کار رفته است؛ بنابراین، معنای خاص مورد نظر این مقاله از حکمرانی در این واژه ملحوظ است. مراحل سه تا هفت، که در روش تحقیقات قرآن ذکر شد، به صورت زیر طی شده است. شایان ذکر است این مراحل به صورت رفت و برگشتی صورت گرفته است و در اینجا برای ارائه منسجم به این سه دسته تقسیم شده‌اند.

۳. جست‌وجوی قرآن کریم و استخراج آیات مرتبط و دسته‌بندی اولیه براساس طبقه‌بندی قرآنی برای بررسی ساده‌تر: این دسته‌بندی آیات را به «آیات غیر مرتبط» و «آیات مرتبط» تقسیم و سپس آیات مرتبط به پیروی از حق (خدا، رسولان الهی، مؤمنان و سایر) و پیروی از باطل (شیطان و هوای نفس، طاغوت و ائمه کفر، بدکاران و سایر) تقسیم می‌کند.

۴. سپس با رویکرد موردنظر، که بیشتر وجه توصیفی تبعیت مدنظر بوده است، به مطالعه و تفکر در آیات اقدام شد. در این بررسی به صرف آیات اکتفا نشد، بلکه آن‌ها در کنار سایر آیات و سیاق مورد بررسی قرار گرفت و در مواردی هم برای دریافت دقیق‌تر از موضوع به تفاسیری مانند المیزان فی تفسیر القرآن و تفسیر نمونه مراجعه شد.

توضیح بیشتر آنکه مفاهیم استنباطی اولیه از قرآن نسبت به تبعیت و واژگان مرتبط با آن،

مفاهیمی نزدیک به تبعیت از حق، شریک نگرفتن برای خداوند وغیره است. اما این مقاله برای آنکه بتواند دلالت‌های روشن‌تری در زمینه حکمرانی استباط کند، رویکردی توصیفی (چگونگی تبعیت) به خود گرفت تا بتواند ناظر بر پرسش‌های حکمرانی، پاسخ‌گویی بهتری داشته باشد؛ در واقع، سوال‌های مستخرج از حکمرانی بیشتر جنس توصیفی (چگونگی) دارند تا تجویزی، به همین منظور رویکرد بررسی قرآنی ما نیز با این رویکرد پیش گرفته شد.

همان‌گونه که گذشت، حکمرانی معانی بسیار گستره و فراوانی دارد و اکثر صاحب‌نظران در بررسی مفهوم حکمرانی از مباحث ماکس وبر در زمینه اقتدار بهره برده‌اند؛ به عبارت دیگر، برای تبیین ماهیت اصلی حکمرانی و مسئله اصلی حوزه حکمرانی می‌توان به روابط اقتدار اشاره کرد. در این پژوهش نیز سعی شده است مبتنی بر این سوال اصلی، پاسخ‌های قرآنی برای آن ذکر شود. در هر رابطه اقتدار، یک حاکم، یک محکوم و یک رابطه تبعیت بین آن‌ها وجود دارد که وبر آن‌ها را با عنوان‌ین حاکم^۱ و محکوم^۲ دسته‌بندی و رابطه تبعیت را در سه گونه کاریزماتیک، سنتی و عقلایی قانونی ارائه کرده بود. حال در ادبیات قرآنی می‌توان برای این سه سوال نیز پاسخ یافت. در محور تابع، سوال این است که چه ویژگی‌ها و مؤلفه‌هایی ناظر به شخص در تبعیت محوری و مهم‌اند؛ به عبارت ساده‌تر، چه می‌شود که شخص (از جانب خودش) از یک شخص یا یک چیز تبعیت می‌کند. محور متبع به این می‌پردازد که چه ویژگی‌هایی در متبع می‌تواند تبعیت به دنبال داشته باشد؛ به عبارت دیگر، متبع با چه مؤلفه‌ها و مشخصه‌هایی می‌تواند تبعیت بیشتری را جذب کند. در محور تبعیت به دنبال پرسش‌هایی از قبیل علت، ارکان، اثرات و ابزارهای تبعیت بودیم. در مطالعه پیش‌رو به بررسی یکی از این واژگان یعنی «تبعیت» پرداخته‌ایم و سعی داشته‌ایم سه محور بیان شده را با تمرکز بر واژه تبعیت از قرآن استخراج کنیم.

۵. سپس سعی شد به این نکات، که در ابتدا ذیل سه مؤلفه کلی (تابع، متبع و تبعیت) برچسب خورده‌ند، در طول بررسی نیز برچسب‌های مقتضی اضافه شود و پس از اتمام کار به بررسی دویاره این برچسب‌ها پرداخته شد و تغییراتی در آن‌ها صورت گرفت. در این بررسی گاهی جایگاه اولیه آیات در محورهای اصلی نیز تغییر کرده است. نکات و تدبیرات مرتبط با تبعیت در جداول پیوست انتهای مقاله ذکر شده‌اند.

۶. طراحی مدل نهایی از منظر قرآن کریم: در نهایت نیز به جمع‌بندی و ارائه این نکات پرداخته شد و تلاش شد به صورت یکپارچه و منسجم تحلیل و ارائه شوند.

تجزیه و تحلیل: ارائه مدل قرآنی

پس از طی کردن پنج مرحله اولیه روش شناسی اشاره شده، به بحث و جمع‌بندی نکات ناظر به سه بخش اصلی یعنی تابع، متبع و تبعیت پرداخته و درواقع سعی شد مدل کلی حکمرانی در قرآن ترسیم شود. در ادامه، ناظر به هر کدام از این سه مؤلفه اصلی، مهم‌ترین زیر مؤلفه‌ها و نکات استنباطی از قرآن کریم عرضه می‌شود.

تابع

الف- آگاهی تابع: مردم در زندگی دنیا، به دنبال یافتن علم یقینی برای تبعیت نیستند و به علم اجمالی اکتفا می‌کنند؛ بنابراین، عوامل دیگر نقش پررنگ‌تری نسبت به آگاهی بازی می‌کنند. بدون آگاهی و شناخت متبع هم تبعیت ممکن است، همان‌طور که انسان بدون آنکه شیطان را بیند از آن تبعیت می‌کند و اصلاً این حربه‌ای برای ایجاد تبعیت است. زیرا شیطان و جنود او در صورتی که آشکار باشند، کسی از آن‌ها تبعیت نمی‌کند. دشمنی آن‌ها آشکار و مبین است به همین خاطر خود را پنهان می‌کنند و به صورت پنهانی دیگران را به تبعیت از خود وامی‌دارند و این در صورتی است که با آشکارشدن حق، تبعیت بیشتری به دنبال خواهد داشت.

به نظر می‌رسد شخص قطعاً باید برای تبعیت علم اجمالی داشته باشد تا تبعیت کند که قرآن سطوحی از آگاهی را هم برای آن‌ها اثبات می‌کند. یعنی تابع باید حداقل با شناختی اجمالی متبع را بشناسد. به همین سبب خداوند گمراهان را عذاب می‌کند. هرچند پس از آنکه به ماهیت و اثر عملشان پی می‌برند، از متبع رویگردان می‌شوند؛ بنابراین، قطعاً سطحی از ناآگاهی داشته‌اند. البته خداوند مواردی را هم ذکر می‌کند که با وجود مراتب بالای آگاهی، تبعیت نمی‌کنند و حتی می‌فرماید اگر مراتب بالایی هم به آن‌ها داده شود، تبعیت نخواهند کرد. در این حالت می‌توان گفت مراتب بالای آگاهی هیچ‌گاه به صورت قطع به تبعیت منجر نخواهد شد و آگاهی را باید شرط لازم تبعیت بدانیم نه شرط کافی.

اثرات تبعیت با آگاهی و بدون آگاهی متفاوت است. به نظر می‌رسد تبعیت در صورتی اثرات کاملی دارد که آگاهی در آن وجود داشته باشد. مهم‌ترین اثر تبعیت یعنی همشکلی تابع و متبع یا به عبارت دیگر، قربت زیاد آن دور حالتی اتفاق می‌افتد که آگاهانه باشد. مثلاً درباره قوم فرعون که این آگاهی بسیار وجود دارد و فرعون امام آن‌ها و آن‌ها یک امت خوانده می‌شوند.

قرآن وزن آگاهی حصولی در تبعیت را کم‌رنگ می‌کند و به امور گراشی اهمیت بیشتری می‌دهد. هرچند مراتب بالای شناخت می‌تواند تبعیت مؤثری را به همراه داشته باشد، مراتب پایین

علم حصولی، اثرات کمی نسبت به سایر علل مثل گرایش دارد. مواردی مثل بلعم باعورا به روشنی این امر را اثبات می‌کنند.

بنابراین، سطوح بالای علم که از جنس حضوری است، احتمال تبعیت بالاتری دارد؛ هرچند قطعی نیست و عوامل دیگر ممکن است این تبعیت را خدشه‌دار کنند. در سطوح پایین علم که اکثراً در امور دنیا از چنین علمی استفاده می‌شود، ممکن است تابع به درستی و به کنه، متبوع را نشناشد اما از خواست و امر او تبعیت کند؛ البته که در این حالت نیز سطحی از آگاهی حضور دارد. ذکر این نکته ضروری است که «باور» متفاوت است. اگر مردم به شخص یا چیزی باور داشته باشند، تبعیت از شخص یا چیز دیگری که باورهاشان را زیرسوال ببرد و یا با آن در تعارض باشد، معمولاً موفق نخواهد بود.

ب- ویژگی تابع: فهم در کنار گرایش فرمولی است و قرآن بارها تکرار می‌کند در این فرمول با توجه به اینکه از فهم با لفظ «ظن» یاد می‌کند، نشان می‌دهد که گرایش نقش مؤثرتری در تبعیت دارد. به نظر می‌رسد محمل و جایگاه گرایش نیز قلب است. قرآن قلب و اینکه در قلب چه می‌گذرد را به متغیرهای تبعیت اضافه می‌کند. اینکه قلب در چه حالتی باشد بر تبعیت اثرگذار است. تأثیر عمل هم بیش از همه در قلب است که تبعیت‌هایی را در آینده شکل می‌دهد یا نمی‌دهد؛ بنابراین، با وارد کردن مرتبه‌ای به نام قلب در انسان تحلیل‌ها کاملاً متفاوت خواهد شد. مهم‌ترین ویژگی تابع، که قرآن به کرات نام برد، هو و هوس تابع است. به نظر می‌رسد ترجمه امروزی آن منفعت‌طلبی تابع است. هو و هوس به نسبت آگاهی تابع نیز مرتبه بالاتری در تبعیت کسب می‌کند؛ یعنی شخص معمولاً از هواشی تبعیت می‌کند تا آگاهی‌اش. مصدق خیلی روشن آن بلعم باعوراست که حتی آیات الهی به او داده شده بود، اما او به دنیا گرایش داشت.

همچنین، «سوء عمل» هم از مؤلفه‌های مهم است که درواقع نوعی کیف ولذت در نفس شخص ایجاد می‌کند که آن را به علم ترجیح می‌دهد؛ به عبارت دیگر، شخص که از هوای خود تبعیت می‌کند درواقع از مرتبه‌ای از علم حضوری تبعیت می‌کند که لذت آن را چشیده است، هرچند باطل و زودگذر باشد.

منافع خویشاوندی نیز از علل تبعیت یار آن است، البته منافع فردی همچنان اولویت دارد. علقه ووابستگی‌های شخص به امتی (به معنای اعم آن) که به آن احساس تعلق می‌کند نیز یکی دیگر از ویژگی‌های تابع است. در این دو حالت تابع منیت خود را به سطح خویشاوند و امت گسترش داده است. تبعیت‌های پیشینی و مسیری که شخص طی کرده است در انتخاب مسیر آتی و تبعیت آتی نیز اثرگذار است. این را می‌توان هم از جنبه اثری که بر قلب او گذاشته است دید و هم از نظر علقه به

مسیر و مواردی از این دست.

بنابراین، سه متغیر اصلی در انسان برای پیش‌بینی تبعیت وجود دارد: آگاهی و علم (ذهن/ قلب)، گرایش (قلب) و منفعت (نفس). ترکیب‌های مختلف این‌هاست که تبعیت را در انسان شکل می‌دهد. بهنظر می‌رسد با توجه به تکرار و تأکید قرآن، مهم‌ترین آن‌ها منفعت در مرتبه بعدی گرایش و در آخر آگاهی قرار گیرد.

متتابع

بهصورت کلی، قرآن چیزی را که حق باشد، با توجه به تطابقی هم که با فطرت دارد، شایسته تبعیت می‌داند، اما بهصورت توصیفی، قرآن کریم برای متتابع ویژگی‌هایی را ذکر می‌کند که عبارت‌اند از:

- دارای فضل و برتری است: به این معنا که متتابع دارای فضلي باشد که تابع راقانع کند از او تبعیت کند. این اقناع می‌تواند به امور مختلف برگردد که در ابزارها اشاره خواهد شد، اما وجه اصلی اش این است که متتابع صاحب اسباب باشد. یکی از وجوده معجزات الهی نیز، که برای اثبات نبوت پیامبران الهی آورده می‌شود، اثبات فضل و برتری پیامبران است که دیگران را در تبعیت از ایشان قانع می‌کند.
- استقلال و تمایز متتابع: عدم وابستگی و اتکا به غیر در متتابع برای تابع مهم است.
- خیرخواهی، امین و راستگو بودن.
- علم عملی داشتن برای هدایت متتابع بهصورتی که مورد اعتماد تابع قرار گیرد.
- اطمینان‌بخش بودن متتابع.
- حس قربات: اهلیت و از خود بودن متتابع در عین اینکه فضل دارد. گرهای مختلفی می‌تواند بین تابع و متتابع زده شود، از گردهای قومیتی تا نژادی وغیره.

تبعیت

متتابع و تبعیت جدا هستند و تبعیت می‌تواند متفاوت از متتابع شکل بگیرد. اینکه متتابع چه باشد یک امر است و اینکه تبعیت نسبت به آن چگونه شکل بگیرد، امر دیگری است. در این معناست که می‌توان بحث‌های مختلفی مثل انواع تبعیت را پیش‌کشید.

الف- ارکان تبعیت: بهنظر می‌رسد با توجه به آیات مختلف می‌توان سه مؤلفه زیر را از ارکان

تبعیت دانست:

- ایمان و قبول داشتن متتابع،

- مؤثر دانستن وعله وویید متبع،
- جهانبینی، ایدئولوژی و نظام ارزشی: مواردی مانند اینکه شخص به غیب اعتقاد داشته باشد یا نباشد از ارکان تبعیت به حساب می‌آیند به صورتی که در تعیین متبع، تابع وغیره بسیار مؤثر خواهند بود.

ب- علت تبعیت: با توجه به اینکه در تبعیت دو طرف یعنی تابع و متبع وجود دارد، علت تبعیت همواره از جانب متبع نیست. یعنی چنین نیست که همه به خاطر خود متبع از او تبعیت کنند و یا به او باور کافی داشته باشند، بلکه نوعی از تبعیت وجود دارد که می‌توان به آن تبعیت ابزارگونه گفت؛ در این نوع از تبعیت، علت تبعیت منطبق و در جهت متبع نیست و متبع به خاطر چیز دیگری تبعیت می‌شود. با توجه به این مقدمه و براساس آیات مختلف، می‌توان موارد زیر را علل تبعیت بشمرد:

- محبت (بیشتر از جانب تابع به متبع، رابطه دو طرفه)،
- پیروی از آبا (سنت)،
- خوف و خشیت/رجا و امید،
- میل و یا طبیعت تابع: تطابق متبع با میل و یا طبیعت تابع که گاهی ممکن است با نیازسازی به وجود آید.

ج- اثرات تبعیت: نزدیکی و قرابت تابع و متبع از مهم‌ترین اثرات تبعیت است. البته اثرات مختلف دیگری برای تبعیت ذکر شده است، اما به نظر می‌رسد آن‌ها تبعیت این اثر هستند.

د- ابزارهای تبعیت: خداوند در قرآن بیش از همه ابزارهای تبعیت یعنی وسایلی که با دستاویزی به آن‌ها چه جانب حق و چه جانب باطل به دنبال ایجاد تبعیت هستند را بر می‌شمرد و البته در جانب حق جنبه انگیزه‌بخشی دارد و در جانب باطل جنبه انذار. خداوند در سوره اسراء طریقه‌های اصلی اثربخشی را بر می‌شمرد که این طریقه‌ها در واقع مثل چهار کارویژه یا کارکردی هستند که برای تبعیت باید در آن‌ها فعالیت و کار کرد. مواردی که نام برده شده است از جنس ابزار و تکنیک خرد نیستند، بلکه کلان و کلی هستند و همان‌طور که اشاره شد، از جنس کارکرد هستند که خود می‌توانند زیرنقش‌های فراوانی را دربرگیرند که عبارت‌اند از:

- تبلیغ: در آن متبع برای ایجاد تبعیت تبلیغ می‌کند و به طور خاص وعده می‌دهد که ممکن است صادق و یا کاذب باشد. تکرار کردن نیز یکی از شیوه‌های است.
- نیروی ویژه^۱: برای ایجاد تبعیت، به نیروی مخصوص و ویژه برای افراد و امور مختلف نیاز

۱. منظور از نیروی ویژه افراد و یا گروه‌هایی هستند که برای اثربخشی و ایجاد تبعیت در گروه هدف، تعلیم دیده و از امکانات و ابزار مناسب نیز برخوردارند.

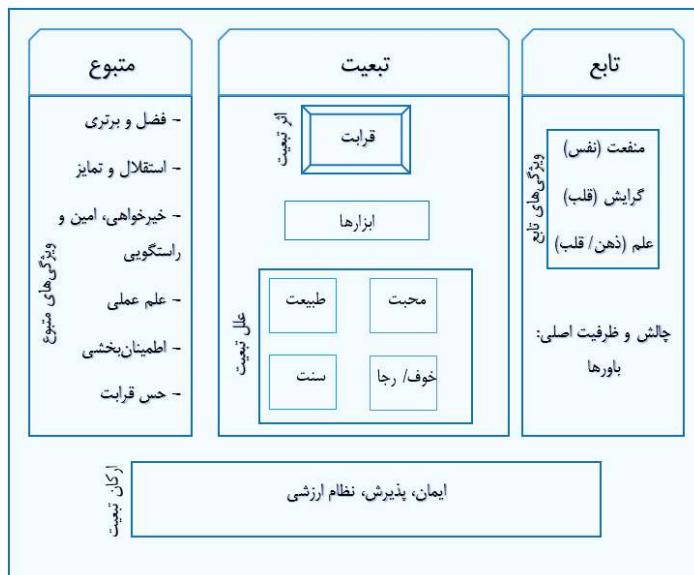
است. برای همه نمی‌توان به یک نحو برنامه‌ریزی و آن را اجرا کرد و گروه‌ها و امور مختلف تحت تبعیت، نیروی متناسب خود را می‌طلبند.

- طریقهٔ مالی: در آیات قرآن از این مؤلفه با عنوان مشارکت مالی یاد شده است.
- طریقهٔ تربیت و اثرباری در نسل که با عنوان مشارکت در اولاد یاد شده است.

علاوه‌بر این موارد کلان، خداوند از ابزارها و تکنیک‌های مختلف نام می‌برد. شاید بتوان این تکنیک‌ها و روش‌ها را در همه و یا برخی از موارد بالا به کار برد:

- وعده و عیید دادن؛
- نسبت خیر دادن به تابعان؛
- زیرسؤال بردن ویژگی‌های متبوع به انحصار مختلف (با اتهام به دروغ‌گویی، قسم خوردن وغیره)؛
- تحت‌الحمایه بودن (ایمنی و امنیت‌بخشی)؛
- تصویرسازی از نعمت‌های حاصل از تبعیت و حسرت‌های حاصل از عدم تبعیت؛
- سدشکنی: اینکه عده‌ای سابقون امر باشند تا بقیه بتوانند پشت سر آن‌ها بیایند؛
- شاهدگیری: اینکه تابع یا تابعانی که قرابتی با تابعان دیگر دارند، تبعیت کرده باشد.
- گستردگی نشان دادن (و یا نشان دادن گستردگی) حوزهٔ تبعیت (اعم از تابعان و حوزهٔ نفوذ وغیره)؛
- جازدن خواستهٔ متبوع به جای خواستهٔ تابع؛
- استفاده از منبعی صاحب اعتبار که شخص از پیش قبول دارد (استناد، ارجاع و استفاده از آن) و زیرسؤال بردن آن در موارد رد تبعیت؛
- اشاره به نوبودن و قدیمی بودن متبوع به این معنا که مدت مدیدی است تبعیت می‌شود؛
- اینکه چه کسانی از متبوع تبعیت می‌کنند و تطابقش با شائی که تابع برای خود قائل است. خلاصه‌ای از مباحث یادشده در نمودار زیر ذکر شده است. طبق این نمودار، اصول و امهات در زیر قرار گرفته‌اند. این اصول درواقع اصول به معنای عرفی نیستند، بلکه ارکانی هستند که با تغییر آن‌ها فضای حاکم بر تبعیت به‌نحو محسوسی تغییر می‌کند، مثل اینکه اعتقاد به غیب وجود داشته باشد یا نباشد.

سپس در سه محور اصلی یعنی تابع، متبوع و تبعیت به تلخیص نکات پیش‌گفته پرداخته شده است. تبعیت به این علت میان تابع و متبوع قرار گرفته است که طبیعتاً بسیاری از مباحث مطرح شده در آن به‌نحو نسبتاً مساوی به هر دو طرف مربوط می‌شود.



نمودار ۱. مؤلفه‌های اصلی مرتبط با تبعیت در نسبت حکمرانی در قرآن

بحث و نتیجه‌گیری

همان طور که اشاره شد، در تبعیت باید به سه رکن تابع، متبوع و تبعیت پرداخت. در این مقاله سعی شد این سه محور از منظر قرآن تشریح شود. در تابع، سازوکار تبعیت یک شخص از منظر قرآن ترسیم شد. یکی از سؤال‌های کلیدی در این محور، آگاهی و شناخت تابع نسبت به متبوع بود؛ اینکه آیا تابع برای تبعیت باید از متبوع آگاهی داشته باشد یا بدون شناخت آن نیز تبعیت امکان‌پذیر است. به نظر می‌رسد شخص قطعاً باید برای تبعیت علم اجمالي داشته باشد تا بتواند تبعیت کند و قرآن سلطوحی از آگاهی را هم برای آن‌ها اثبات می‌کند. یعنی تابع باید حداقل با شناختی اجمالي متبوع را بشناسد. البته تبعیت و اثرات آن بر تابع در مراتب مختلف آگاهی متفاوت است، ولی در مجموع می‌توان گفت آگاهی شرط لازم تبعیت است نه شرط کافی.

همچنین، تأکید شد که «باور» جدای از آگاهی است و معمولاً اگر تبعیت از چیزی با باور مردم در تعارض قرار گیرد، شکست خواهد خورد.

در کل سه متغیر اصلی در انسان برای پیش‌بینی تبعیت شناسایی شد: آگاهی و علم (ذهن) / قلب، گرایش (قلب) و منفعت (نفس). ترکیب‌های مختلف این موارد است که تبعیت را در انسان شکل می‌دهد. مهم‌ترین آن‌ها منفعت، در مرتبه بعدی گرایش و در آخر نیز آگاهی قرار می‌گیرد. محور دیگر مدل حکمرانی متبوع است. متبوع در قرآن دارای ویژگی‌هایی است که در این

مقاله به تبیین آن‌ها پرداخته شد. مهم‌ترین ویژگی‌های یک متبع داشتن فضل، استقلال و تمایز، خیرخواهی، امین و راستگو بودن، داشتن علم عملی برای هدایت، اطمینان‌بخش بودن و حس قرابت است.

اما همان طور که اشاره شد، متبع از تبعیت جداست و تبعیت می‌تواند متفاوت از متبع شکل بگیرد. در ترسیم نگاه قرآن به تبعیت چند جزء در محور تبعیت به صورت جداگانه بررسی و ارائه شدند که عبارت‌اند از: ارکان، علت، اثرات و ابزارهای تبعیت.

تبعیت ارکانی دارد؛ ارکانی که با تغییر در آن‌ها کل سازوکار حاکم بر حکمرانی و تبعیت متفاوت خواهد شد. اینکه شخص به متبع ایمان داشته باشد یا خیر؛ وعده و وعید متبع را مؤثر بداند یا خیر. همچنین، جهان‌بینی، ایدئولوژی و نظام ارزشی حاکم از مهم‌ترین ارکان تبعیت هستند.

جزء دوم رابطه تبعیت علت تبعیت است. با توجه به اینکه در تبعیت دو طرف یعنی تابع و متبع وجود دارد، علت تبعیت همواره از جانب متبع نیست. یعنی چنین نیست که همه به خاطر خود متبع از او تبعیت کنند و یا به او باور کافی داشته باشند. علل تبعیت در آیات قرآن مختلف ذکر شده‌اند: محبت (بیشتر از جانب تابع به متبع، رابطه دوطرفه)، پیروی از آبا (سنن)، خوف و خشیت/رجا و امید و میل و یا طبیعت تابع.

همچنین، می‌توان تبعیت را دارای اثراتی دانست. نزدیکی و قرابت تابع و متبع از مهم‌ترین اثرات تبعیت است. البته قرآن اثرات مختلف دیگری برای تبعیت ذکر می‌کند، اما به نظر می‌رسد آن‌ها تبعیت این اثر هستند.

جزء آخر محور تبعیت در مؤلفه‌های حکمرانی در قرآن، ابزارهای تبعیت است. ابزارهای تبعیت در قرآن در دو دسته قرار می‌گیرند. دسته اول کلان و کلی هستند و به نحوی نقش‌های اصلی را در این زمینه برمی‌شمرند. این موارد عبارت‌اند از: تبلیغ، نیروی ویژه، طریقهٔ مالی، طریقهٔ تربیت و اثرباری در نسل. همچنین، قرآن ابزارهای خردتری برشمرده است؛ مواردی مثل وعده و وعید دادن، نسبت خیر دادن به تابعان، تحت‌الحمایه بودن (ایمنی و امنیت‌بخشی).

این مقاله تلاشی کوچک در راستای ترسیم حکمرانی از منظر قرآن کریم بود و در این راستا برخی از مؤلفه‌ها و محورهای کلی ترسیم و تبیین شد. اینکه قرآن کامل‌ترین راهنمای بشر در مسیر سیر بشریت به سمت کمال، چگونه به تبعیت و راهبری انسان نگاه می‌کند و اساس پیروی که جان‌مایهٔ حکمرانی است را چگونه می‌بیند، می‌تواند کاربرد چشمگیری در ترسیم حکمرانی ایرانی اسلامی داشته باشد.

استفاده از نگاهی توصیفی در این مقاله می‌تواند در پژوهش‌های آتی بیشتر مورد استفاده قرار

گیرد تا بتوانیم با خود واقعی انسان و نحوه هدایت آن به نحو بهتری مواجه شویم. از همین مسیر است که می‌توان به نحو دقیق‌تر و جامع‌تری برای استقرار حکمرانی اصیل قدم برداشت. البته با توصیف خوب می‌توان تجویزهای بهتری نیز در این زمینه داشت.

هر کدام از مؤلفه‌ها وزیر مؤلفه‌هایی که در این مقاله به اختصار بیان شده، باید دقیق‌تر بررسی و مطالعه شوند و به ابزارها و عصر امروزی زندگی بشر نزدیک‌تر شوند. قطعاً این مؤلفه‌ها در زندگی امروز بشر نیز حاضرند، اما نیاز است پژوهش‌های کاربردی متعددی برای ترسیم آن‌ها در زندگی امروز بشر و طراحی سازوکارهای مناسب هر کدام انجام شود.

کتابنامه

۱. قرآن کریم.
۲. حسینی تاش، سید علی؛ واثق، قادر علی. ۱۳۹۳. «حکمرانی خوب و ارائه حکمرانی شایسته بررسی و شاخص‌های این دو از دیدگاه امیرالمؤمنین علی علیه السلام». اسلام و پژوهش‌های مدیریتی. شماره ۸. صص ۲۸-۷۸.
۳. حیدری، فربنا. ۱۳۹۵. «قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران در چشم‌انداز حکمرانی خوب». صیانت از حقوق زنان. سال دوم. شماره ۲. صص ۱۶۲-۱۴۵.
۴. خامنه‌ای، سید علی. ۱۳۸۰. بیانات در دیدار با کارگزاران نظام. khamenei.ir.
۵. سالارزهی، حبیب‌الله؛ ابراهیم‌پور، حبیب. ۱۳۹۱. «بررسی سیر تحول در پارادایم‌های مدیریت دولتی: از پارادایم مدیریت دولتی سنتی تا پارادایم حکمرانی خوب». مدیریت دولتی. شماره ۹. صص ۶۳-۴۲.
۶. سلیمی، جلیل؛ مکنون، رضا. ۱۳۹۷. «فراتحلیل کیفی پژوهش‌های علمی ناظر بر مسئله حکمرانی در ایران». مدیریت دولتی. دوره ۱۰. شماره ۱. صص ۳۰-۱.
۷. شاه‌آبادی، ابوالفضل؛ جامه‌بزرگی، آمنه. ۱۳۹۲. «نظریه حکمرانی خوب از دیدگاه نهج البلاغه». پژوهشنامه نهج البلاغه. شماره ۲. صص ۱۸-۱.
۸. طباطبایی، محمدحسین. ۱۳۷۵. المیزان فی تفسیر القرآن. تهران: دارالکتب الاسلامیه.
۹. محمدعلیپور، فریده؛ رحیمی عمامد، سید رضا. ۱۳۹۲. «عمل شکل‌گیری انقلاب اسلامی ایران و نظریه حکمرانی خوب. مطالعه موردی حکومت پهلوی دوم در سال‌های ۱۳۳۲-۱۳۵۷». پژوهشنامه متین. شماره ۵۹. صص ۱۸۴-۱۵۹.
۱۰. مسعودی‌پور، سعید؛ سپهری، مهدی. ۱۳۹۴. «روشناسی تحقیق موضوعی در قرآن کریم: طراحی الگویی کاربردی برای پژوهش‌های میان‌رشته‌ای». پژوهش‌های میان‌رشته‌ای قرآن کریم. شماره ۲۱. صص ۹۸-۷۹.
۱۱. مصطفوی، حسن. ۱۳۸۵. التحقیق فی کلمات القرآن الکریم. تهران: مرکز نشر آثار العلامه المصطفوی.
۱۲. مکارم شیرازی، ناصر. ۱۳۷۸. تفسیر نمونه. تهران: دارالکتب الاسلامیه.
۱۳. ناظمی اردکانی، محمد. ۱۳۹۱. «حکمرانی خوب با رویکرد اسلامی». راهبرد توسعه. شماره ۳۱. صص ۸۸-۶۴.
۱۴. یوسفی شیخ‌رباط، محمدرضا؛ بابایی، فهیمه. ۱۳۹۴. «طراحی مدل حکمرانی خوب



براساس نامه مالک اشترا و مقایسه آن با اصول حکمرانی خوب بانک جهانی». اقتصاد
اسلامی. شماره ۵۷. صص ۳۱-۶۲.

15. Capano, Giliberto. Howlett, Michael. Ramesh, M. 2015. **Varieties of Governance Dynamics, Strategies, Capacities**. New York: Springer.
16. Farazmand, A. Carter, R. 2004. **Sound governance: Policy and administrative innovations**. Greenwood Publishing Group.
17. Frederickson, H. G. Smith, K. B. Larimer, C. W. Licari, M. J. 2012. **The public administration theory primer**. Boulder, CO: Westview Press.
18. Gläser Jochen. 2012. **From Governance to AuthorityRelations?** Whitley, R., Gläser.
19. Jessop, B. 2002. "Governance and meta-governance in the face of complexity: On the roles of requisite variety, reflexive observation, and romantic irony in participatory governance". Participatory governance in multi-level context.
20. Kettl, D. F. 2002. **Managing indirect government**. In The tools of government: A guide to the new governance.
21. Kooiman, J. 1993. **Modern governance: New government – society interactions**. London. Sage.
22. 2013 _____. **Governing as governance**. London. SAGE.
23. Laurence, E. Lynn, Jr. 2010. **Governance**. Foundations of Public Administration.
24. Lee, Myungsuk. 2003. "Conceptualizing the New Governance: A new institution of social coordination". Bloomington. Paper presented at the Institutional Analysis and Development Mini-Conference in Indiana University.
25. Meuleman, Louis. 2008. **Public Management and the Metagovernance of Hierarchies, Networks and Markets**. The Netherlands. Physica-Verlag Heidelberg.
26. Mouzelis, N. P. 2008. **Organization and bureaucracy: an analysis of modern theories**. London. Routledge.
27. Peters, G. 2000. **Governance in the Twenty-first Century: Revitalizing the Public Service**. Montréal. McGill-Queen's University Press.
28. Rhodes, R. A. 1995. **The new governance: Governing without government**. Swindon. Economic and Social Research Council.
29. 1997 _____. **Understanding governance: Policy networks, governance, reflexivity and accountability**. Maidenhead. Open university press.
30. Stoker, G. 1998. "Governance as theory: five propositions". International Social Science Journal. Volume number 155.

31. 2018 _____. **Governance as theory: five propositions**. International Social Science Journal. volume number 68.
32. Voss, Jan-Peter. 2007. **Designs on governance: Development of policy instruments and dynamics in governance**. PhD thesis. Enschede. University of Twente. School of Management and Governance.
33. Waters, Tony. Waters, Dagmar. 2015. **Weber's rationalism and modern society: new translations on politics, bureaucracy, and social stratification**. Palgrave Macmillan.

پیوست

جدول ۱. تدبیرات مرتبط با تابع

آدرس	مفهوم	تدبیرات
حمد: ۳	آگاهی تابع	ریشه اثرات ایمان و عمل صالح و کفر و سد از سبیل دنباله تبعیت از حق یا باطل است (ذالک بان) و هر کدام از آن‌ها بدون تبعیت اثربنخواهند داشت. شاید از این آیه بتوان نقش آگاهی را، حداقل در اثربنخواهی تبعیت، دید. بر این اساس، تبعیت در صورتی اثر دارد که آگاهانه باشد. چون حق و باطل که لزوماً عینی و مشخص نیستند؛ بنابراین، نیاز به بصیرت و شناخت از آن‌ها وجود دارد تا بتوان به دنبال آن‌ها رفت. به نظر می‌رسد آیه آگاهی را پیش‌فرض گرفته است.
نساء: ۱۱۵	آگاهی تابع	در اینجا به آگاهی اشاره دارد و خداوند آثاری مانند جهنم را، که برای عدم تبعیت ذکر می‌کند، به آگاهی منوط می‌کند؛ بنابراین، آثار تبعیت آگاهانه و غیر آگاهانه تفاوت دارد و مثل اینکه قرآن وجود تبعیت غیر آگاهانه را هم تأیید می‌کند.
شعراء: ۳۹-۴۰	آگاهی تابع	این آیات به علم امت فرعون به او و اعتقادی که به او داشته‌اند اشاره دارد. به نظر می‌رسد این اعتقاد جمعی به فرعون است که آن‌ها را امت واحدی قرار داده است. در این آیات ندادهندۀ خطاب به امت می‌گوید جمع شوید تا در صورتی که ساحران پیروز شدند از آن‌ها یعنی دین آن‌ها، که همان فرعون است، پیروی کنیم نه اینکه جمع شوید تا از برندۀ مبارزه که در واقع حق با اوست پیروی کنیم.
بقره: ۱۶۵-۱۶۷	آگاهی تابع	به نظر می‌رسد به سطحی از عدم آگاهی تابع اشاره می‌کند. عدم آگاهی از اینکه قدرت در اختیار خداست، متوجه اسباب خاصی ندارد و اینکه خداوند عذاب‌کننده ساخت است.... البته اینکه خدا آن‌ها را عذاب ابدی می‌دهد نشان می‌دهد هدایت به آن‌ها رسیده بوده است و با وجود علم از باطل تبعیت کرده‌اند.

۱۷۰	بقره:	آگاهی تابع	عدم آگاهی ارادی دارند. در تبعیت از اهل باطل تعصب به خرج می‌دهند و اصلاً تأمل نمی‌کنند؛ درواقع، به علت عدم تفکر، به شمرات و ماهیت چیزی که تبعیت می‌کنند آگاهی ندارند، اما درواقع حجت بر آن‌ها تمام شده است.
۱۵۷	نساء:	آگاهی تابع	حتماً نیاز نیست انسان‌ها به چیزی که آن از تبعیت می‌کنند یقین و یا علم کامل داشته باشند، بلکه از ظن هم تبعیت می‌کنند.
۶۶-۶۸	کهف:	آگاهی تابع	تبعیت از شخص یا چیزی که درپی آن باورهای شخص زیر سوال برود و یا با آن در تعارض باشد، بسیار کم موفق خواهد بود و صورت خواهد گرفت. هرچند آن شخص یا چیز صاحب فضل و برتری باشد.
۴۴	ابراهیم:	آگاهی تابع	اگر این باور صورت پذیرد که تبعیت یا عدم تبعیت از یک راه عذاب درپی دارد، در آن صورت تبعیت صورت خواهد پذیرفت. اما باید باور صورت پذیرد. همان‌طور که در این آیه گنه‌کاران باور پیدا کرده‌اند که عدم تبعیشان عذاب درپی دارد و آرزو می‌کنند به دنیا برگردند و از رسول تبعیت کنند.
۱۷-۱۸	جائیه:	آگاهی تابع	در این آیه با اینکه حجت یعنی مرتبه‌ای از علم بر کسانی که تبعیت نمی‌کنند تمام شده است و به آن طریق علم دارند، اما خداوند درباره آن‌ها می‌فرماید علم ندارند و نمی‌دانند. انگار علم داشتن و دانستن تفاوت دارد. مانند تفاوت کسی که بداند آتش داغ است با کسی که دستش سوخته است، علم این دو متفاوت است؛ بنابراین، مراتب علم مختلف می‌توانند در نوع تبعیت مؤثر باشد. هرچه علم قوی‌تر، احتمال تبعیت بیشتر. خداوند به سبب ایجاد بستر آزمایش مراتب عالی علم را برای انسان‌ها در مرتبه دنیا نگشوده است، اما علم بیشتر می‌تواند تبعیت بیشتر هم بیاورد. قطعاً مراتب بالاتر علم از جنس حصولی نیست، علم حضوری است؛ بنابراین، ایجاد علم حصولی در ایجاد تبعیت ممکن است مرتبه‌پایینی از تبعیت را به همراه بیاورد و می‌توان علت اینکه ساقون بسیار مهم هستند را همین دانست؛ آن‌ها علم حصولی را گرفته و با سیر در مراتب معرفت الهی تبدیل به حضوری می‌کنند. البته صرف تبعیت عده‌ای از یک مسیر، علم دیگران را از مرتبه حصولی صرف ارتقا می‌دهد و معرفت آن‌ها ارتقا می‌یابد.
۱۴	محمد:	آگاهی تابع / ویژگی تابع	در این آیه خداوند به فهمی بیش از فهم فکری و ذهنی برای تبعیت اشاره می‌کند، چه برای مؤمنان که دلیل روشن از جانب خداوند است و چه برای کفار که به پشتوانه تربیتی از عملشان است؛ بنابراین، حتی کفار هم که تبعیت نمی‌کنند سوء و بدی عملشان در نفسشان شیرینی ایجاد می‌کند که البته از جنس تربیت است و آن‌ها به سمت آن حرکت می‌کنند.

۱۴۵	آگاهی تابع	آگاهی تابع عده‌ای فراهم شود، تبعیت نخواهند کرد. شاید شرط لازم باشد، ولی شرط کافی نیست. اما آیا می‌توان گفت قاطبۀ مردم با فراهم شدن سطح مناسبی از آگاهی تبعیت خواهند کرد؟
انعام: ۱۱۶ و ۱۴۸	ویژگی تابع / آگاهی تابع	مردم در زندگی به ظن و گمان برای تبعیت از یک چیز اعتماد می‌کنند و خیلی برای تبعیت در انتظار آگاهی نمی‌مانند، بلکه چیزهای دیگری تبعیت را رقم می‌زنند. آنجا که با صیغه مضارع می‌فرماید از ظن و جز از تخمین تبعیت نمی‌کنند اشاره به این معنا دارد.
اعراف: ۲۷؛ انعام: ۱۴۲ و آیات دیگر	ویژگی تابع / آگاهی تابع	به تعبیر قرآن شیطان دشمن آشکار آن‌هاست، اما مردم از او تبعیت می‌کنند. چرا؟ چون آن را نمی‌بینند (عدم آگاهی).
اعراف: ۲۷؛ انعام: ۱۴۲ و آیات دیگر	ویژگی تابع / آگاهی تابع	شاید همین که شیطان عدو مبین است و بعضی کافران نیز به همین وصف در قرآن آمده‌اند دلیلی بر آن باشد که برای تبعیت‌شدن بهتر آن است که دیده نشود و دیده نشدن آن‌ها کمکی بر تبعیت‌شدن‌شان است.
قصص: ۵۰ و آیات دیگر	ویژگی تابع	هوا و هوس تابع در اینکه از چه چیزی یا چه کسی پیروی کند اثرگذار است.
قصص: ۴۷-۵۰	ویژگی تابع	چنین نیست که افراد مطابق با شناخت و علم خود از کسی تبعیت کنند یا نکنند. گاهی شخص می‌داند کسی راست می‌گوید، اما برای چیزی مثل هوای نفس و منفعت شخصی از او تبعیت نمی‌کند. البته این مورد با اینکه بگوییم او در آن لحظه، تبعیت از هوای نفس‌ش را حسن و خوب می‌داند تفاوت دارد.
آل عمران: ۷	ویژگی تابع	مرتبه قلب را هم به تبعیت اضافه می‌کند. یعنی فارغ از اینکه فرد چه چیز در ذهن داشته باشد، هدفش چه باشد، متبع که باشد وغیره، اینکه در قلبش چه بگذرد در تبعیت اثرگذار است. اتفاقاً در این آیه گرایش قلبی را مقدم داشته است.
نساء: ۱۳۵	ویژگی تابع	منافع شخصی و منافع خویشاوندی ممکن است تبعیت را شکل دهد. این دو تاحدی قوی است که ممکن است شخص حق را کنار بگذارد و برای آن‌ها به بیراهه رود. جالب است در حالی که قرآن در اینجا از منافع خویشاوندی هم نام برده است، در ادامه آیه می‌فرماید از هوای نفس پیروی نکنید. مثل اینکه حتی در جایی که انسان به اسم خویشاوندی از حق عدول می‌کند در واقع از هوای نفس پیروی می‌کند و برای منافع شخصی است که حق را زیر پا می‌گذارد.

۴۸	ویژگی تابع	انسان‌های امتحان‌اللهی است، یعنی خدا بستر امتحان‌های مختلف را، که بستری برای امتحان است، ایجاد کرده است. یعنی برای امتحان، انسان‌ها را در تبعیت از حق با مشکل مواجه می‌کند؛ بنابراین، یکی از وابستگی‌های تابع برای پیروی، تعلق آن به امتشاست. با این تقسیم، جایگاه ویژگی‌های جایگاهی تابع را هم در ویژگی‌های خود تابع داخل کرده‌ایم.
۱۷۶-۱۷۵ : ۱۱ عز ا ف	ویژگی تابع	گرایش در تبعیت بسیار پررنگ است، حتی از آگاهی هم پررنگ‌تر است. علم و آگاهی با مراتب بالا در بلعم باعوراً جمع شده است، اما با اینکه آیات‌اللهی به او نشان داده شده است، او به دنیا گرایش دارد و از هوا نفس خود تبعیت می‌کند.
۱۶ و ۱۴: محمد:	ویژگی تابع	فارغ از اینکه شخص به چه دلیل تبعیت کرده است، خود تبعیت پیشینی تبعیت پسینی را تقویت می‌کند. اینکه اشاره می‌کند به سوء عمل آن‌ها و اثری که سوء عمل می‌گذارد اشاره به همین دارد. زیرا عمل آن‌ها، آن‌ها را به این مسیر می‌کشاند و این مسیر به صورتی می‌شود که به جایی می‌رسند که در آن پایدار می‌شوند و به تعبیر قرآن بر دل آن‌ها طبع می‌زده می‌شود.
۳۵ و ۳۶: نجم:	ویژگی تابع	فهم (هرچند ناقص و به صورت ظن)+ گرایش (ممکن است هوا باشد یا فطری).

جدول ۲. تدبیرات مرتبط با متبع

آدرس	مفهوم	تدبیرات
۲: محمد:	ویژگی متبع	آنچه شایستگی دنباله‌روی دارد حق است (و هُوَ الْحَقُّ مِنْ رَبِّهِمْ).
۴۲: تویه:	ویژگی متبع	افراد در چیزهایی که منفعت سهل‌الوصول و طریق راحت داشته باشد راحت‌تر تبعیت می‌کنند.
۱۶۵-۱۶۷: بقره:	ویژگی متبع	متبع صاحب اسباب است.
۱۴۳: بقره:	ویژگی متبع	بحث استقلال و شاید بتوان گفت تمایز برای کسانی که تبعیت می‌کنند مهم است. در این آیه هم پیامبر و هم مؤمنان در اینکه قبله مشترکی دارند، تحت فشار هستند و البته این بستر امتحان‌اللهی است، اما نشان می‌دهد این قبله مشترک باعث بهتان اهل کتاب شده است؛ به این صورت که شما دین جدید هستید اما قبله‌تان با ما یکی است و به عبارتی، استقلال آن‌ها را زیرسؤال می‌برند و مؤمنان را استهزا می‌کرند. خداوند تبعیت را در این شرایط فقط مخصوص کسانی می‌داند که شامل هدایت‌اللهی شده باشند؛ بنابراین، واقعاً کار سختی بوده است.

۲۷	هد: ویژگی متبع	افراد در چیزی یا کسی که از او تبعیت می‌کنند باید فضل و برتری بیینند. البته این فضل و برتری به نگاه آن‌ها و باور آن‌ها هم بستگی دارد. کسی که به غیب اعتقاد ندارد چیزی را ملاک برتری می‌داند و کسی که اعتقاد دارد چیز دیگری را.
۸۸-۹۶	طه: ویژگی متبع	سامری همزمان از چند نکته برای ایجاد تبعیت استفاده می‌کند. اول اینکه این الله را به الله حضرت موسی (علیه السلام) نسبت می‌دهد و درواقع از اعتبار و مرجعیت حضرت موسی استفاده می‌کند؛ دوم اینکه در آنچه به عنوان خدا نسبت می‌دهد وجه اعجاب قرار می‌دهد که مردم در آن احساس فضل می‌کنند و سوم اینکه این بت متناسب با خواست قوم موسی بود که چیزی شبیه بت پرستان داشته باشدند. اما نمی‌توانست همان بت را به آن‌ها عرضه کند، چون حضرت قبل‌ایشان را از بت نهی کرده بود؛ بنابراین، در آن اعجاز قرارداد.
۷-۱۱	فرقان: ویژگی متبع	نشان می‌دهد مردم می‌خواهند از کسی تبعیت کنند که از آن‌ها برتر باشد و فضل داشته باشد. در این آیات فضل پیامبر را، که اتصال او به غیب است، زیرسؤال می‌برند ولی درواقع، می‌خواهند از کسی پیروی کنند که در چیزی که آن‌ها آن را مایه عزت و برتری می‌بینند به آن‌ها مزیت و برتری داشته باشد مثل مال وغیره.
شعراء: ۱۰۶ و ۱۰۸	ویژگی متبع	خیرخواهی و امین بودن متبع
۲۱	یس: ویژگی متبع	راهبلدی و به عبارت دیگر، علم عملی که بتواند دیگران را به سمت مقصدی که دعوت می‌کند هدایت کند (مهتدون).
۲۱	ویژگی متبع	خیرخواهی (لائِسْأَلْكُمْ أَجْرًا)
قمر: ۲۵ و آیات دیگر	ویژگی متبع	شاید با توجه به ینکه در آیات مختلف برای عدم تبعیت، پیامران را به دروغ متهم می‌کنند نشان می‌دهد که در اذهان مردم راستگو بودن شخصی که تبعیت می‌شود یک اصل است.
۲۴	ویژگی متبع	در این آیات دوباره دیدن فضل و برتری را نشان می‌دهد. در این آیه به ینکه کسی که از میان خودشان بوده و فضلى در او نمی‌دیدند و همچنین عده و عده‌ای ندارد اشاره دارد و تبعیت از آن را خسران می‌داند.
۳۸	ویژگی متبع	به سلسله مراتبی بودن تبعیت و گرهای تبعیت اشاره می‌کند. اگر متاع از خود گروه هدف باشد، آن‌ها به سخن او گوش می‌دهند، او را از خودشان می‌دانند و با تبعیت او به فرد اصلی می‌رسند. هر گروهی اگر می‌خواهیم به تبعیت در بیانند باید از خودشان کسانی متاع باشند که آن‌ها را به متاع اصلی رهنمون کنند.
۱۸-۲۱	ویژگی متبع	شیطان برای ینکه آدم و هوا از او تبعیت کنند، هرچند به دروغ، از باب خیرخواهی وارد شده است و برای این کار قسم هم می‌خورد.

جدول ۳. تدبرات مرتبط با تبعیت

آدرس	مفهوم	تدبرات
نساء: ۱۱۵	تبعیت	گفته است «عَيْرَ سَبِيلِ الْمُؤْمِنِينَ»، در صورتی که می‌توانست به صورت دیگری بگوید و احتمالاً به تبعیت جمعی اشاره دارد (با توجه به تفسیر علامه طباطبائی از این بخش که به وحدت اشاره دارند). شاید قرآن می‌خواهد بفرماید تبعیت از رسول باید جمعی باشد و تفرق در تبعیت از رسول هم پسندیده نیست؛ بنابراین، متوجه یک چیز است و تبعیت و چگونگی تبعیت چیز دیگر.
توبه: ۴۲-۴۴	ارکان تبعیت	ایمان به خدا یک منشأ تبعیت است و ایمان به روز آخرت منشأ دیگر؛ در واقع، با ایمان به خداست که می‌توان با سببی مثل محبت تبعیت را ایجاد کرد و ایمان به آخرت که انگیزه‌هایی که خداوند برای ایجاد تبعیت داده است را معنادار می‌کند؛ بنابراین، شاید این آیه به دو وجه تبعیت یعنی ایمان و قبول داشتن کسی که باید تبعیت شود و مؤثر دانستن و عده‌ها (انگیزه‌ها) به عنوان دورکن تبعیت اشاره می‌کند.

۲۷	ارکان تبعیت	افراد باید در چیزی یا کسی که از او تبعیت می‌کنند فضل و برتری ببینند. البته این فضل و برتری به نگاه آن‌ها و باور آن‌ها هم بستگی دارد. کسی که به غیب اعتقاد ندارد، چیزی را ملاک برتری می‌داند و کسی که اعتقاد دارد چیز دیگری را.
بقره: ۱۶۵-۱۶۷	علت تبعیت	این آیات محبت را واسطه بین تابع و متبع، حتی در حالت گمراهی، قرار می‌دهد و به محبت بیشتر مؤمنان به خدا اشاره می‌کند. اما محبت اهل ضلالت با دیدن ریختن نظام اسباب از بین می‌رود و جالب آن است که خداوند ابتدا تبرای آن‌ها می‌گویند اگر به دنیا برگردیم از آن‌ها تبری می‌کنیم. به نظر می‌رسد با این بیان، اصلاً از قبل محبت یک طرفه فقط از جانب تابع بوده و از اول هم متبع محبتی به تابع نداشته است که تابع با دیدن این رفتار متبع جا می‌خورد و می‌گوید کاش از اول...؛ بنابراین، در این آیه دو علت تبعیت گفته شد: یکی محبت و دیگری اسباب.
بقره: ۱۷۰	علت تبعیت	علت تبعیت را پیروی از آبا (ست) ذکر می‌کند.
بقره: ۱۷۴-۱۷۵	علت تبعیت	خوف و خشیت یکی از علل تبعیت است که شیطان نیز از این ابزار برای گمراهی استفاده می‌کند. شاید به همین سبب است که خداوند در آیات مختلف انسان‌ها را به تبعیت از هدایت و رضوان خود دعوت می‌کند که با این کار دیگر خوف و ترسی نخواهد داشت. زیرا قدرت مطلق در اختیار اوست.
ماهده: ۱۶؛ آل عمران: ۱۶۲	علت تبعیت	تبعیت از رضوان الهی
ماهده: ۱۶	علت تبعیت	خداوند مژده سلامتی و نور و هدایت به صراط مستقیم را به تبعیت کنندگان از رضوانش می‌دهد که شاید این سه در مقابل وعده شیطان و اولیاًیش باشد.
یس: ۱۱	علت تبعیت	خشیت و خوف را یکی از عوامل تبعیت ذکر کرده است. فقط چون خشیت از خداوند با اعتقاد به غیب معنا پیدا می‌کند آن را به غیب اضافه کرده است.
آل عمران: ۳۱	علت تبعیت	به رابطه میان محبت و تبعیت اشاره دارد. می‌توانست هر واژه دیگری مثل اسلام و ایمان را جای محبت قرار دهد، اما به کاربردن واژه محبت می‌تواند نشان‌دهنده رابطه بین محبت و تبعیت باشد. همچنین، به رابطه معکوس آن نیز، یعنی محبتی که به دنبال تبعیت می‌آید، اشاره دارد.

۶۸	آل عمران:	اثرات تبعیت	مهمترین اثر تبعیت نزدیکی تابع و متبوع است؛ درواقع، این قرابت هم قرابت خاص است نه قرابت فیزیکی. چون تبعیت از محبت بر می خیزد و اثرات محبتی دارد. در این آیه کسانی که از حضرت ابراهیم تبعیت کرده‌اند را نزدیک‌ترین افراد به ایشان معرفی می‌کند. آیات مختلف به این امر اشاره دارند.
۱۵۷	اعرف:	علت/ ابزار تبعیت	وعده فلاح خدا برای اینکه از رسول تبعیت کنند.
۱۵۸	قصص: ۴۷: طه: ۱۲۳: اعراف: ۱۵۸	علت/ ابزار تبعیت	وعده هدایت (عدم گمراحتی) خدا برای اینکه از رسول تبعیت کنند.
۱۵۰	انعام:	ابزار تبعیت	اشاره به اینکه انسان بصیر از این راه تبعیت می‌کند. استفاده از اینکه انسان دوست دارد در زمرة ویژگی‌ها و دسته‌های خوب قرار بگیرد؛ تحریک برای ایجاد تبعیت.
۱۵۵	انعام:	علت/ ابزار تبعیت	وعده رحمت در صورت تبعیت
۱۶۲	ماشه: ۱۶؛ آل عمران: ۱۷۴؛ آل عمران: ۱۶۲	علت/ ابزار تبعیت	وعده رضوان الهی در صورت تبعیت
۱۷۸	آل عمران: ۱۶؛ بقره: ۱۶۲	علت/ ابزار تبعیت	اشاره به اینکه کسی که تبعیت نکند به بدی و جهنم وغیره دچار خواهد شد.
۱۷۰	بقره:	ابزار تبعیت	بدل زدن و زیرسؤال بردن علت تبعیت از طرف دیگر و مقابل؛ به این صورت که می‌گوید از سنت پدرانتان تبعیت می‌کنید، اگر نمی‌فهمیدند چه؟ همین اوردن «اگر نمی‌فهمیدند» و اینکه تبعیت کورکرانه ذاتاً مقویح انسان است.
۳۸	بقره:	علت/ ابزار تبعیت	وعده اینکه کسی که تبعیت کند از خوف و اندوه به دور خواهد بود.
۳۶	ابراهیم:	اثرات تبعیت	قرابت تابع و متبوع
۷-۱۱	فرقان:	ابزار تبعیت	نشان می‌دهد مردم می‌خواهند از کسی تبعیت کنند که از آن‌ها برتر باشد، فضل داشته باشد و در این آیات فضل پیامبر را، که اتصال او به غیب است، زیرسؤال می‌برند ولی درواقع، می‌خواهند از کسی پیروی کنند که در آن چیزی که آن‌ها آن را مایه عزت و برتری می‌بینند بر آن‌ها مزیت و برتری داشته باشد مثل مال.

۲۱۵	ابزار تبعیت	شرعاً:	تحت حمایت قرار گرفتن بهویژه حمایت معنوی و اجتماعی که در رأس آن پیامبر و بعد مؤمنان قرار دارند می‌تواند مردم را ترغیب کند که از رسولش پیروی کنند. بهنظر می‌رسد در استفاده از واژه واخضص بیشتر حمایت معنوی و اجتماعی منظور است تا حمایت مادی وغیره، مثل یک سرپناه و مأمن. یعنی حس اینمی خواهی و سرپناه خواهی مردم ممکن است آن‌ها را به تعییت وادارد.
۳۵	ابزار / علت تبعیت	قصص:	وعده پیروزی به عنوان وعده‌ای که می‌تواند جلب تعییت کند.
۱۰۰	تبعیت	توبه:	ممکن است متبع حق باشد، اما علت تعییت حق نباشد. یعنی علت تعییت لزوماً منطبق با متبع نیست. خداوند احسان را وصف تعییت می‌آورد که علامه طباطبائی به معنای تعییت از روی حق می‌گیرند، نه اینکه از سابقون با عناؤین دیگر تعییت کند.
۱۰۰	تبعیت	توبه:	تبعیت بدون پشتونه؛ تعییت ابزارگونه؛ منافقانه؛ برای کسب اغراض شخصی؛ در این آیه تعییت به احسان وصف شده است.
۱۸	ابزار تبعیت	زمر:	اتصال به ویژگی پسندیده؛ کسانی که تعییت کنند صاحبان خرد هستند و هدایت یافته‌اند. خب؛ انسان طبیعتاً دوست دارد این‌گونه باشد؛ بنابراین، در فرد این‌گونه بودن ایجاد انگیزه می‌کند.
۵۴_۵۹	ابزار تبعیت	زمر:	تصویرسازی از آینده مسیری که می‌روند و عدم تعییت که ممکن است این تصویر واقعی و یا ساختگی باشد. تصویر از حسرت‌ها و اموری که ازدست می‌روند.
۲۰۸ و ۱۶۸	ابزار تبعیت	بقره:	علت تعییت (عدم تعییت)؛ دادن نسبت دشمنی و عداوت در شخص متبع در واقع، خیرخواهی را زیرسوال بردن است.
۱۱۵	علت / ابزار تبعیت	نساء:	وعید به جهنم برای کسانی که پیروی نکنند.

اسراء: ۶۴	ابزار تبعیت	<p>خداآوند برای شیطان ابزارهای مختلف ایجاد تبعیت را بر می‌شمرد که البته شاید بتوان از این ابزارها به صورت کلی تر برداشت کرد و از آنها به عنوان ابزارهای ایجاد تبعیت نرم یاد کرد که عبارت اند از:</p> <p>۱. تبلیغ: در این آیات هم صوت و هم وعده دادن به این ابزار اشاره دارد که در آن متبع برای ایجاد تبعیت تبلیغ می‌کند و به طور خاص وعده می‌دهد. وعده اعم از طریق حق و باطل است. چون خداوند وعده را به خود هم نسبت می‌دهد، اما وعده خود را صادق و باقی وعده‌هندگان را کاذب می‌داند؛ بنابراین، یک شیوه متدالو ا است هر چند ممکن است صادق یا کاذب باشد و نشان می‌دهد که در ایجاد تبعیت فارغ از جهت‌گیری مؤثر است. ۲. نیروی ویژه: در این آیات به سواره نظام و پیاده نظام اشاره می‌کند که با اشاره علامه در تفسیر این آیات می‌توان چنین برداشت کرد که برای ایجاد تبعیت نیاز به نیروی متخصص و ویژه برای افراد و امور مختلف هستیم. برای همه نمی‌توان به یک نحو برنامه‌ریزی و اجرا کرد و گروه‌ها و امور مختلف تبعیت، نیروی متناسب خود را می‌طلبند.</p> <p>۳. طریقه مالی: در این آیات با مشارکت مالی از آن یاد شده است.</p> <p>۴. طریقه تربیت و اثرباری در نسل که با عنوان مشارکت در اولاد یاد شده است.</p>
نور: ۲۱ و آیات متعدد دیگر	ابزار تبعیت	<p>تکرار و ذکر و یادآوری ابزاری است که خداوند در آیات مختلف برای ایجاد تبعیت استفاده کرده است. یادآوری دشمنی شیطان، راه ضلالی که هدایت می‌کند وغیره. شاید این ذیل ابزار تبلیغ باشد که در آیات قبلی آمده بود، اما با شیوه‌ای خاص یعنی تکرار.</p>
عنکبوت: ۱۲	ابزار/ علت تبعیت	<p>این آیه نشان می‌دهد ترس از علل تبعیت است که کافران سعی می‌کردند آن را کاهش دهند تا مؤمنان از راهشان برگردند.</p>
شعر: ۱۱۱	ابزار تبعیت	<p>سایر تابعان و اینکه چه کسی از آن فرد تبعیت می‌کند در اینکه سایرین نیز تبعیت کنند یا خیر اثربار است.</p>
قصص: ۵۷ و ۵۸	ابزار تبعیت	<p>تهذید از طریق به رخ کشیدن سرنوشت کسانی که این مسیر را فته‌اند برای تبعیت.</p>
اسراء: ۶۵	ابزار تبعیت	<p>سلطنت و قدرت یک چیز است و توهم سلطنت چیز دیگری است. گاهی متبع ممکن است دامنه تسلط خود را وسیع تر نشان دهد که این می‌تواند اثرات مختلفی از جمله ایجاد تبعیت بیشتر از ترس وغیره داشته باشد. قرآن به شیطان دامنه سلطنت او را گوشزد می‌کند و به تعبیر علامه همین دامنه را هم به خود نسبت می‌دهد.</p>

اعرف: ۲۷ (جزء آیاتی نیست که تبعیت در آن باشد، اما با راهنمایی آیات دیگر به آن رسیدیم).	ابزار تبعیت	کاری که شیطان می‌کند این است که خود را به جای انسان جا می‌زند و خواسته خود را با تزویر، خواسته انسان می‌کند. پنهان بودنش به این امر کمک می‌کند. جازدن خواسته خود به جای خواسته دیگران موجب تبعیتی خودخواسته خواهد بود که آگاهی نیز در آن نخواهد بود.
۲۹-۳۰ روم:	علت تبعیت	این چیزی که متبع به آن دعوت می‌کند باید متناسب با تابع باشد. تابع خلقتی دارد که خاص خود آن است و تبعیت باید اقتضانات آن را درنظر گیرد. این اقتضانات اعم از جسمی، روحی وغیره است.
۸۸-۹۶ طه:	علت/ ابزار تبعیت	سامری همزمان از چند نکته برای ایجاد تبعیت استفاده می‌کند؛ اول اینکه این الله را به الله حضرت موسی (علیه السلام) نسبت می‌دهد که درواقع از اعتبار و مرجعیت حضرت موسی استفاده می‌کند؛ دوم اینکه در آنچه به عنوان خدا نسبت می‌دهد وجه اعجاب قرار می‌دهد که مردم در آن احساس فضل می‌کنند و سوم اینکه این بت متناسب با خواست قوم موسی بود که چیزی شبیه بت پرستان داشته باشند. اما نمی‌توانست همان بت را به آن‌ها عرضه کند، چون حضرت قبل ایشان را از بت نهی کرده بود؛ بنابراین، در آن اعجاز قرار داد.
۱۵۷ اعرف:	ابزار تبعیت	اشارة به اینکه آمدن رسول با چنین ویژگی‌هایی از پیش و عده داده شده و در منابع معتبری از او یاد شده بود؛ منابعی مثل تورات و انجیل.
۱۱۱ هود؛ ۲۷ شعر:	ابزار تبعیت	اینکه چه کسی از شخص تبعیت می‌کند نیز در تصمیم فرد در اینکه از او تبعیت کند یا نه تأثیرگذار است. اگر افرادی از آن فردی که مورد احترام و قبول و دارای مزیتی باشند تبعیت کنند، احتمال اینکه دیگران از آن شخص تبعیت کنند بیشتر است.
۳۸ یوسف:	ابزار تبعیت	منتسب کردن خود به منبع صاحب اعتبار؛ حضرت یوسف خود را به ملت پدرانش که صاحب اعتبار بوده است منتسب می‌کند.
۹ یوسف؛ ۳۸ احقاف:	ابزار تبعیت	اشارة به اینکه چیزی که باید از آن تبعیت شود و یا کسی که باید از او تبعیت شود، چیز نویی نیست و قبلًا بوده و بسیاری از او تبعیت کرده‌اند.
۱۲۳ نحل:	ابزار تبعیت	اینکه خداوند پیامبر را به حضرت ابراهیم متصل می‌کند و او را پیرو ایشان معرف می‌کند و تبعیت از ایشان را همان تبعیت از ابراهیم بیان می‌کند؛ درواقع این استفاده کردن از اعتبار یک منبع اعتبار است و خود را نماینده و یا جانشین آن معرفی کردن که در ایجاد تبعیت مؤثر است.

۴۷	هود: ۲۷؛ اسراء: ۴۷	ابزار تعیت	در این آیه کفار منشأ اعتبار و فضل پیامبر که مطاع مردم است را زیرسؤال می‌برند؛ درواقع، آن منشأ وحی و ارتباط ایشان با غیب است که در این آیه ایشان را به مسحور متهم می‌کنند. کفار منشأ تعیت از پیامبر را زیرسؤال می‌برند. مانند اینکه در جای دیگر، پیامبرشان را به دروغگو بودن متهم می‌کردند آن‌ها نیز می‌خواهند منشأ فضل را زیرسؤال ببرند.
۷-۱۱	فرقان: ۷-۱۱	ابزار تعیت	نشان می‌دهد مردم می‌خواهند از کسی تعیت کنند که از آن‌ها برتر باشد، فضل داشته باشد و در این آیات فضل پیامبر را که اتصال او به غیب است زیرسؤال می‌برند ولی درواقع می‌خواهند از کسی پیروی کنند که در چیزی که آن‌ها آن را مایه عرت و برتری می‌بینند به آن‌ها مزیت و برتری داشته باشد مثل مال.
۲۵	قمر: ۲۵	ابزار تعیت	برای تعیت نکردن، منشأ تفضل و برتری را از طریق اتهام دروغ زیرسؤال بردن.